

فراز و فرودها را هم روایت کنیم

موفق شده ولی یک نکته‌ای که وجود دارد این هست که این در آدم اشتباهی هست که در روایت‌های جنگ و دفاع مقدس داریم، در این روایت‌ها تصویری معصوم گونه از همه شهدا ساخته ایم. پس حتی شرط امیدآفرینی برای مخاطب ترکیب این دو موضوع در کنار هم می‌باشد.

همیشه حرف مخالف زدن جذابیت بیشتری دارد، در این شرایط اتفاقی که باید بیفتد نامش واقعی سازی روایت‌هاست. اینجا باید بتوانید یک تصویری از این راوی یا واقعه طوری صحبت کنید که با سفره زندگی روزمره مردم ارتباط برقرار کند و هم اینکه راحت روایت کنید و حتی شکست‌ها را روایت کنید؛ یعنی اگر شرح موفقیت‌های موشکی در کنار قصه ناکامی صنعت خودروسازی روایت نشود این جریان عاقبتی نخواهد داشت.

در فضای روایت پیشرفت یک دوگانه وجود دارد: یک طرف می‌خواهد بگوید: همه چیز پیشرفته هست و طرف دیگر می‌گوید: ما خیلی بدبخت هستیم.

متأسفانه در طول این سال‌ها گزاره دوم خیلی پررنگ شده که هم رسانه‌های خارجی و هم مشکلات داخلی کمک می‌کند که این ضریب پیدا کند، از طرفی برخی از دوستانی که در فضای روایت پیشرفت فعالیت می‌کنند، همیشه دوست دارند القا بکنند که همه چیز خوب هست و مشکلی نداریم.

در پرداختن به این موضوع روایت‌ها باید واقعی باشند، ما فقط دوست داریم قله‌ها را روایت کنیم، هیچ وقت فراز و فرودها را روایت نمی‌کنیم، اگر می‌خواهیم این روایت همگانی بشود و مردم اقبال به مطالعه آن‌ها نشان بدهند باید واقع‌بینانه روایت شدن را حفظ بکنیم، به طور مثال کتابی داریم که فرد سوژه در طول داستان یک اتفاقی برایش افتاده و به تعبیر ما از ریل خارج شده، آن بخش را جزئی از پیشرفت روایت نمی‌کنند درحالی‌که این کار غلط می‌باشد و نباید تجربه موفقیت‌آمیز آن فرد را نادیده بگیریم.

همان‌طور که ما در ادبیات اساطیری مان چهره‌ای به نام رستم داریم که اشتباهی مثل قتل فرزند را مرتکب می‌شود ولی این فرد همانی ست که کیکاووس را از بند دیو سپید نجات می‌دهد.

پس این جنس روایت، روایتی اعتماد ساز هست چراکه مخاطب می‌بیند این فرد هم مثل خودش خطا دارد، شکست دارد و بعد



مرتضی فتح‌الله زاده

نویسنده



همان‌طور که ما در ادبیات اساطیری مان چهره‌ای به نام رستم داریم که اشتباهی مثل قتل فرزند را مرتکب می‌شود ولی این فرد همانی ست که کیکاووس را از بند دیو سپید نجات می‌دهد

